

فصل اول:

فطرت

خدا جوي

بشریت

عبادت، فطرت بشریت است:

فطرتاً هر موجودی که لباس هستی پوشیده و از کتم عدم پای به عرصهٔ حیات و زندگی نهاده، به طور مرموز و ناخودآگاه، خواستار و پویای آفریدگار و صانع خویش است و از هر سوی به سوی دیگر خالق و پروردگار خود را می‌جوید، تا پاس حرمت، و احترام لازم او را بنماید، و از فضل و رحمت و اکرام او، تشکر و سپاسگزاری نموده، و به مصداق اینکه «انسان بندهٔ احسان است» به پیشگاه با عظمت او سرتعظیم فرود آورد.

خداوند می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ، وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱.

به آیین راست خداوند روآور، آیینی که خدا آفرینش انسان را بر روی آنها نهاد، و خلق خداوند تغییرپذیر نیست. این است دین استوار و محکم، ولی بیشتر مردم جاهل هستند و به آن علم ندارند.

هدف از دین حنیف در آیهٔ شریفه که آفریدگار متعال خلقت انسان را بر آن استوار ساخته است همانا آیین و دین توحیدی و خداپرستی است، که انحراف از جاده و صراط مستقیم توحیدی را مخالف فطرت انسان دانسته است.

فطرت چیست؟

فطرت یک شعور باطنی است که انسان را به طور ناخودآگاه به سوی خالق و آفریدگار رهبری و هدایت می‌نماید، و در هدایت خود به سوی خدا به هیچ‌گونه استدلال و برهانی نیاز ندارد، و ناخودآگاه آدمی را خداخواه و خداجو نموده و این امر غریزی را در نهاد انسان، شکوفا می‌سازد.

بنابراین آدمی باید بالفطره مؤمن و مسلمان و موحد بوده باشد، و صراط مستقیم الهی را بییماید، و از هرگونه اعوجاج و انحراف به دور باشد. مگر اینکه در سر راه او خار تبلیغات سوء و انحرافات و اعوجاج اخلاقی باشد، که در این صورت مسیر طبیعی مذهبی و ایمانی او را تغییر می‌دهد نهالی که از زمین بالا می‌آید تا زمانی که خاری، و مانعی در سرراهش نباشد و مسیر او را عوض نکند، راست و مستقیم بالا می‌رود، و از کج شدن و انحرافات به دور می‌ماند. و آدمی نیز همین حکم را دارد، اگر شیطنت شیطانها و خناسها، در سرراهش سبز نگردد، فطرت خداجویی و خداخواهی، او را به سرمنز فلاح و رستگاری می‌رساند. در حقیقت فطرت نوری است که در جوهر وجود انسان نهفته است تا از تاریکیها و از چنگال شیاطین رهایی یابد، و صراط مستقیم الهی را با نورانیت فطرت بییماید و به هدایت ابدی راه یابد. فطرت پدیده‌ای است

مرموز، که در کنه جوهر عبودیت نهفته است و سخن حکیمانۀ «عبودیت جوهری است که در نهاد آن ربوبیت نهفته است»^۱ بیانگر آن است.

إذعان دانشمندان غرب بر خداجویی بشریت

جان ایورث استاد دانشگاه کلمبیا دربارهٔ مذهب چنین می گوید:

«هیچ فرهنگ و تمدنی در نزد هیچ قومی نمی توان یافت مگر آنکه در آن فرهنگ و تمدن، شکلی و نقشی از مذهب وجود داشته است، و ریشه های مذهب تا اعماقی تاریک از تاریخ، که ثبت نشده و به دسترس بشریت نرسیده، کشیده است».

ناگفته نماند! اگر رهبری و هدایت انبیای عظام نبود، اگر مراقبت های صحیح و منظم پیامبران الهی نبود، فطرت های روی زمین شکوفا نگشته و به ثمر نمی رسید، و بشریت به کلی سر از بت پرستی با ابعاد مختلفش درمی آورد، و به انحراف کشیده می شد. بنابراین، انسانها باید از رهروان انبیاء و پیشوایان پاک دینی و مذهبی باشند، تا در مکتب انبیاء و ائمه - علیهم الصلاه و السلام - درس توحید و خداشناسی بیاموزند و از انحراف مصون بمانند.

«ژان ژاک روسو» می‌گوید:

«راه خداشناسی منحصر به عقل نیست؛ بلکه شعور فطری بهترین راهی است

برای اثبات این موضوع که همه موجودات غیرانسان باشعور خدا را می‌پرستند».

آلکس کارل می‌گوید:

«احساس عرفانی جنبشی است که از اعماق فطرت ما سرچشمه گرفته است، و

یک غریزه اصلی است. انسان همان‌طور که به آب نیاز دارد، به خدا نیز محتاج است».

هرگونه شناخت و عرفانی که از خدا در وجود ما نهفته است از فطرت سرچشمه

می‌گیرد و خداشناسی با خلقت انسان عجین است. تمامی موحدین و معتقدین در

محور فطرت و به استمداد از آن، به عبادت و اطاعت معبود واقعی خویش می‌پردازند.

که تمامی انبیاء و اولیاء به تبعیت از فطرت راه الهی و ربّانی در پیش گرفتند، و بدیدن

وسیله هدایت و ارشاد جوامع بشری پرداختند.

کفار و مشرکین و پرستندگان بت و خدایان چوبین و سنگی نیز خداپرستی و

خداجویی دارند، الا این که به علت دوری و فاصله زیاد از مکتب انبیاء، شناخت خدا

و پرستش صحیح را از دست داده‌اند و به ضلالت و گمراهی افتاده‌اند.

تحلیلی از امام صادق (ع)

عبادت و نماز را از دیدگاه حضرت صادق - علیه السلام - وقتی که مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که ما را توصیه به اخلاص آن برای خداوند می‌نماید هر چند که کمیتی قلیل داشته باشد.

از کتاب مصباح‌الشریعه از آن حضرت نقل شده که فرموده:

مداومت کنید بر تخلیص و پاک ساختن فرائض و سنن از غل و غش و کلّ ناخالصیها.

همانا فرائض و مستحبات «در اسلام» اصل و اساس و پایه است، پس کسی که به آنها رسید و حقّ واقعی آنها را به خوبی ادا کرد پس گویا همه عبادتها را به جا آورده است.

به راستی بهترین عبادات عبادتی است که از بطلان و یا سهو و نسیان در امان و از آفات ریا، سمعه و تظاهر خالص بوده باشد. و بهترین عبادات عبادتی است که دائمی و کامل باشد اگر چه از نظر کمیت اندک باشد.

امام - علیه السلام - به دو اصل «فرائض» و «سنتهای اسلامی» فوق‌العاده توجه فرموده و جزو اصول اساسی اسلام معرفی نموده است، که از عهدۀ آنها به خوبی برآمدن و نیکو و خالص انجام دادن آن را بهترین عبادات و طاعات معرفی می‌نماید. بنابراین نماز، که در رأس فرائض قرار دارد جزو اصول و اساس اسلام است و بنیان و

اساسش در نهاد هر انسانی، فطرت پاک و خداجوی او خواهد بود و تمامی اعمال

عبادی انسان از فطرت او سرچشمه می‌گیرد.

فصل دوم:

فلسفه نماز

فلسفه وجوب نماز

اولین فریضه‌ای که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - برای امت آورد، نماز است؛ و آخرین فریضه‌ای هم که تا هنگام مرگ از مکلف ساقط نمی‌گردد و موظف است که آن را به هر نحو میسر به جا آورد نماز است. اول چیزی که (طبق روایات واصله) پس از مرگ از مسلمانان می‌پرسند نماز است، که هرگاه مقبول افتد، به سایر اعمال، توجه می‌نمایند، و اگر نماز قبول نشود به سایر اعمال توجه نمی‌گردد.

نماز ستون دین، معراج مؤمن، قربان کلّ تقیّ، میزان اعمال، خیر موضوع، و نور چشم پیامبر اکرم است. بعد از نماز دعا مستجاب می‌گردد. نماز عامل تزکیه تربیت است. نماز بهترین شعار انبیاء و اولیای گرام است. و نماز عالی‌ترین وسیله راز و نیاز با خداست. و نماز بهترین وسیله ارتباط مستقیم بنده مخلص با مولی و پروردگار مهربان است.

چرا در پنج وقت نماز واجب شد؟

از حضرت امام حسن مجتبی - علیه‌السلام - روایت است که حضرت فرمود:
عده‌ای از یهودیان به محضر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - شرفیاب شدند، داناترینشان مسائلی را از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - پرسید، از جمله پرسشهای او این بود: ای رسول خدا خبر بده مرا که خداوند جلّت عظمته برای چه و به چه علت این نماز پنج‌گانه را در پنج وقت از شبانه روز بر امت تو فرض و واجب کرد؟

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: همانا در هنگام زولا آفتاب غیر از عرش خدا همه چیز تسبیح حضرت حق می‌گویند و به حمد پروردگار مشغول می‌گردند. و در آن هنگام پروردگار بر من درود می‌فرستد، در این ساعت خداوند نماز را بر من و امتم فرض و واجب ساخت، که خداوند در قرآن می‌فرماید: «به پا مدار

نماز را از بازگشتگاه خورشید (نصفهٔ روز) تا تاریکی شب^۱. و آن ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می‌کنند. پس هیچ مؤمنی نیست که در این ساعت به رکوع یا سجود و یا قیام مشغول باشد مگر اینکه خداوند جسدش را بر آتش جهنم حرام می‌گرداند.

و اما نماز عصر، و آن در ساعتی است که «آدم ابوالبشر» از میوهٔ شجرهٔ منّیه خورد و از بهشت خارج شد. پس خداوند ذریهٔ حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود. و خداوند این نماز را برای امت من نیز اختیار نمود. و این نماز از محبوبترین نمازها به پیشگاه حضرت حق است. و مرا توصیه نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه.

و اما نماز مغرب، و آن در ساعتی است که خداوند توبهٔ حضرت آدم را در آن ساعت پذیرفت، که سیصد سال پس از هنگام خوردن حضرت آدم از میوهٔ درخت منّیه تا قبول توبه‌اش به طول انجامید. حضرت آدم سه رکعت نماز مغرب به جا آورد، رکعتی برای خطای خویش، و رکعتی برای خطای حضرت حوا، و رکعتی برای (شکرانهٔ قبول) توبه‌اش. پس خداوند این سه رکعت را بر امت فرض و واجب ساخت. مغرب وقتی است که دعا در آن مستجاب است، و پروردگارش به من وعده داده که دعای مؤمنین را در این وقت مستجاب می‌نماید. و این همان نمازی است که خداوند

در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود: «منزه شمارید خداوند را، هنگامی که شب کنید و هنگامی که بامداد کنید»^۱.

و اما نماز عشاء، پس به راستی در قبر و در روز قیامت ظلماتی است، لذا پروردگرم به من و امتم به نماز عشاء امر فرمود برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و اینکه به من و به امتم نوری روی صراط عطا فرماید. و هیچ قدمی نیست که به سوی نماز عتمه و عشاء برود مگر آنکه خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می‌گرداند. و این نمازی است که پروردگار متعال آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار فرموده.

و اما نماز صبح، پس همانا آفتاب وقتی طلوع می‌کرد، گویا بر شاخهای شیطان طلوع می‌کرد. پس خدایم مرا امر فرمود که: قبل از طلوع خورشید و قبل از آنکه کافر برای آفتاب سجده کند، نماز صبح بخوانم تا آنکه امتم برای خداوند سجده نمایند.

و زود بجا آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوبتر است. این نمازی است که هم ملائکه شب و هم ملائکه روز شاهد و ناظر آن می‌باشند^۲ (زیرا نماز صبح طبق روایات گذشته دو نماز ثبت می‌گردد که ملائکه شب و روز هر دو دسته آن را ثبت می‌نمایند).

این پاسخی که رسول گرامی اسلام به عالم یهودی می دهد عالی ترین علت و فلسفه برای وجوب فریضه یومیّه است، که البته فلسفه و دلایل دیگری را نیز معصومین - علیه السلام - ذکر نموده اند.

تحلیل دکتر کارل از فلسفه نماز

دکتر کارل در اسرار و فوائد نماز می گوید: نماز به آدمی نیرویی برای تحمل غمها و مصائب می بخشد. انسان را امیدوار می سازد، و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث بزرگ را به او می دهد^۱.

راستی وقتی پس از خاتمه نماز، نمازگزار به سجاده می نشیند و به تعقیب و دعا می پردازد، در آن وقت به قدرت کامله حضرت حق پی می برد. در نتیجه کسی را جز او حلال مشکلات خویش نمی شناسد، و تمامی مشکلات زندگی خویش را با پروردگارش در میان می گذارد. و به غیر او التجاء و اعتماد نمی کند. و خداوند است که مهم او را کفایت نموده و او را در مقابل ناملایمات صبور و شکیب می نماید، که اگر بعضی خواسته هایش مقرون به مصلحتش نباشد، مقاومت و پایداری را شیوه او می سازد، بنابراین، نماز مکتب مقاومت و ایستادگی در مقابل حوادث بزرگ است چون که اتکاء و اتکال نمازگزار همیشه به ذات اقدس حضرت باری تعالی می باشد.

نماز برای تعظیم و تکریم خداوند

یکی از دلایل و اسرار تشریح فریضه نماز تعظیم و تکریم خداوند بزرگ است که سزاوار و شایسته عبادت و پرستش است و سزاوار است که انسان ولی نعمت خویش را بشناسد و در مقابلش تواضع کند و جبین خود را به خاک بمالد و طاعت و فرمانبری او را موجب عزت و عظمت خویش بیندارد، و هیچ‌گونه تمرّدی در پیشگاه با عظمت خالق و ولی نعمت خویش ننماید. و همچون حضرت علی - علیه السلام - به پیشگاه خداوند عرض کند.

بار خدایا: این نماز من است، که در پیشگاه تو به جای آوردم. نه به خاطر نیازی است که تو به آن داری، و نه به خاطر میل و رغبتی است که تو در آن داری، بلکه برای بزرگداشت و پذیرش فرمان تو است که تو مرا به انجام آن فرمان داده‌ای. ای خدای من! اگر در نماز من عیبی است و یا نقصی در رکوع و سجود آن موجود است، پس مرا بازخواست مکن، و بر من با پذیرش آمرزش خود تفضل و عنایت فرما (که من در همه حال به تفضل و عنایت تو محتاجم).

از بیان حکیمانه حضرت علی - علیه السلام - اسرار نماز تبیین می‌گردد و هر کسی می‌فهمد، که خداوند قادر متعال، هیچ‌گونه نیازی به رکوع و سجود ما، ندارد، الا اینکه، جهت بزرگداشت و تعظیم سزاوار است که او را عبادت و اطاعت کنیم، و آنچه

نیاز است از جانب بنده نسبت به مولی است؛ چون که حضرت امام می فرماید: اگر در رکوع و سجود من، نقصی و عیبی وجود دارد مرا مؤاخذه نکن، و بر من ببخش، که در هر حال به عنایت و تفضّل تو نیازمندیم.

نماز عالی ترین عامل کبرزدایی

نماز دارای فواید فوق العاده و اسرار فراوان و منافع بسیار است که یکی از فوایدش کبرزدایی است.

حضرت مولی الموحّدین امیر المؤمنین - علیه السلام - در نهج البلاغه نماز را عامل تنزیه و تزکیه از کبر و خودبزرگ بینی، معرفی می فرماید و می گوید: «خداوند حکیم نماز را برای پاک سازی و جداسازی انسان از بیماری کبر و خودستایی مقرر، فرموده است!»

نماز مهم ترین عامل شیطان زدایی

نمازی که در اول وقت و با حفظ همه شرایط به جا آورده شود و سنن آن به خوبی ادا گردد، از بزرگترین عامل شیطان زدایی است و هرگز شیطان نمی تواند بر چنین شخص معتبد و پاک نفوذ کند، حتّی در دم مرگ که شیاطین برای از بین بردن

ایمان و عقیده پاک مؤمنین به سراغشان می‌آیند. ملک الموت از حق آنان دفاع می‌نماید.

حضرت صادق - علیه السلام - می‌فرماید:

إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيُقَيِّدُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ^۱.

همانا ملک‌الموت شیطان را در دم مرگ از کسی که حافظ نماز است دفع می‌گرداند. و شهادت بر «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله - علیه و آله و سلم - را به او تلقین می‌نماید تا شیطان توفیق گفتن شهادتین را از او نگیرد.

فلسفه احکام نماز

احکام و شرایع اسلام و تمامی قوانین آسمانی که به عنوان برنامه زندگی برای بشر وضع شده اعم از اخلاقی، حقوقی، جزائی، اقتصادی، سیاسی و غیره دارای فلسفه و اسراری می‌باشد و هیچ یک از حلال، و حرام، مباح، و مستحب و مکروه بدون علت و بدون غرضی واجب، یا حرام و مکروه نشده است.

بنابراین، فقط خداوند حکیم مصالح و مفاسد، منافع و مضار و خیر و شر وجودی همه آفریده‌هایش را می‌داند و از همه موجودات بری و بحری آگاه و مطلع است و از

کیفیت خلقت و حالات مختلف همه آنها آگاه می‌باشد به همین جهت هر چه را خداوند که همه چیز به طفیل وجود او آفریده است و او را محبوب خویش قرار داده، پسندیده و حلال کرده باید با جان و دل پذیرا باشد و چون و چرا بر فرامین او نداشته باشد و همچنین هر چیزی را که بر ما حرام نموده قهراً زیانی داشته و دارد، که از ما پوشیده است، لذا باید از لذائذ ظاهری آن چشم پوشیم. در هر حال وقتی خداوند را حکیم و دانای به اسرار و نهنانها دانستیم، بایستی به تمامی قوانین او گردن نهیم و از کوچک‌ترین اعتراض و اشکال و یا نادیده گرفتن و حرمت اشیاء پرهیز کنیم.

چرا بعضی نمازها به جهر و بعضی به إخفاء خوانده می‌شود؟

محمد بن عمران از امام صادق - علیه‌السلام - می‌پرسد: یابن رسول‌الله به چه علت نماز جمعه و مغرب و عشاء و صبح بلند خوانده می‌شود؟ و قراءت نماز ظهر و عصر آهسته خوانده می‌شود؟ و چرا در رکعت سوم و چهارم تسبیحات اربعه، افضل از حمد می‌باشد؟

حضرت صادق - علیه‌السلام - در پاسخ محمد بن عمران فرمود: پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - هنگامی که به آسمانها سیر داده شد نماز ظهر جمعه بود، که خداوند ملائکه را امر فرمود، به پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - اقتداء نموده و در پشت سرش به نماز بایستند، و خداوند به پیامبرش امر نمود که نماز ظهر جمعه را بلند

بخواند تا فضل او برای ملائکه روشن گردد. سپس خداوند نماز عصر را بر پیامبر -
صلی الله علیه و آله و سلم - فرض و واجب ساخت. و دیگر احدی از ملائکه به عنوان
مأموم در خلف و پشت سر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - قرار نگرفت. خداوند
پیامبرش را امر فرمود: حمد و سوره نماز عصر را آهسته بخواند؛ زیرا که در پشت سر
پیامبر کسی نبود و سپس نماز مغرب را بر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - واجب
ساخت. ملائکه به پشت سر پیامبر ایستادند و خداوند امر فرمود که پیامبر نماز مغرب
را بلند بخواند و همچنین در نماز عشاء مأمور به جهر شد. پس نزدیک صبح از آسمان
نازل شد. نماز صبح را به پیامبر فرض و واجب کرد و پیامبر را مأمور کرد بلند بخواند
تا فضل او بر مردم روشن گردد، همچنان که بر ملائکه آشکار شد.

چرا در هنگام رکوع گردن و سر را می کشیم؟

راوی از حضرت علی - علیه السلام - می پرسد: ای پسر عمّ بهترین خلق خدا
معنای کشیدن سر و گردن در رکوع چه می باشد؟ امام می فرماید: تأویلش این است که
می گویی:

ایمان آوردم به خداوند (حکیم) اگر چه گردنم زده شود. هنگام رکوع بگو! بار
پروردگارا! بریا تو رکوع می کنم، و برای تو است خشوع من، و برای تو است اسلام
من و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می نمایم، و تو پروردگار منی که خاشع است برای

تو صورتم، و گوش و چشمم، و مو، و پوستم، گوشت و خون مغز و اعصاب و استخوانم. و آنچه از من است در روی زمین کلاً از خداوند است، که پروردگار عالمیان است.

از این سخن حکیمانه حضرت مسأله گردن کشیدن در نماز را به خوبی درک نمودیم و دانستیم که گردن دراز نمودن در حال رکوع تسلیم در مقابل او و تفویض همه امور به او می باشد. نمازگزار تمام وجود خویش را به پیشگاه خداوند تقدیم و عرضه داشته است حتی اگر گردنش زده شود او از ایمانش به خدا جدا نمی گردد.

چرا پیامبر اکرم هفت رکعت به نمازهای یومیه افزود؟

نمازهای یومیه که خداوند بر امت پیامبر اکرم فرض نمود و آن را فرض الله می نامند، ده رکعت است و پیامبر اسلام هفت رکعت به آن افزود که آن را فرض النبی می گویند: دو رکعت به ظهر، دو رکعت به عصر، یک رکعت به مغرب، دو رکعت به عشاء اضافه کرد که جمعاً هفده رکعت شد.

سعید بن مسیب می گوید: از حضرت سجاد علی بن الحسین - علیهما السلام -

پرسیدم: چه وقت نماز به هیئت فعلی که الان مسلمین انجام می دهند واجب شد؟

امام - علیه السلام - فرمود:

وقتی در مدینه منوره اسلام قدرت گرفت و دعوت به اسلام آشکار شد و خداوند
جهاد را بر مسلمین واجب ساخت، رسول خدا به کل نماز هفت رکعت افزود. در ظهر
دو رکعت و در عصر دو رکعت و در مغرب یک رکعت و در عشاء دو رکعت اضافه
نمود؛ ولی نماز صبح به همان حالت که در مکه فرض شده بود باقی گذاشت و جهتش
را تعجیل عروج ملائکه شب به آسمان و تعجیل نزول ملائکه روز به سوی زمین ذکر
فرمود. و چون ملائکه شب و روز با پیامبر در اقامه نماز فجر حضور پیدا می کردند
خداوند عزّ و جلّ فرموده: و نماز فجر و بامداد است که مشهود می باشد. برای این که
مسلمانان با ملائکه روز و شب با پیامبر در آن نماز حضور پیدا می کنند.

فصل سوم:

نماز اول وقت

فضیلت اول وقت

برای نماز سه وقت مشخص و معین شده است:

۱. وقت مخصوص

۲. وقت مشترک

۳. وقت فضیلت

وقت فضیلت نماز ظهر تا رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز عصر تا رسیدن سایه شاخص به دو برابر خود می باشد وقت
فضیلت نماز مغرب از اول مغرب تا رفتن شفق (سرخی مغربی) می باشد. وقت فضیلت
نماز عشاء از اول رفتن شفق تا یک سوم از شب می باشد. وقت فضیلت نماز صبح از
اول سپیده صبح تا پدیدار شدن سرخی مشرقی می باشد.

پاداش نماز اول وقت

موسی بن عمران با خداوند سخن گفت و عرض کرد: بار خدایا جزای کسی که
نمازش را در اول وقت می خواند چیست؟ فرمود: خواسته هایش را برآورده و بهشتم را
به او مباح می گردانم.

چون نمازگزار محبوبترین و مفیدترین کارهای خود را نادیده گرفته و فریضه
الهی را بر همه منافع خود مقدم می دارد، خداوند نیز محبوبترین و بهترین جایگاه را که

بهشت است برایش مباح و حلال می‌گرداند و او را به بهترین نعمتهای بهشت خویش
متنعم می‌نماید.

به گونه‌ای نماز بخوان که گویا با آن وداع می‌کنی.

امام - علیه السلام - به عبدالله بن ابی یغفور فرمود: هرگاه خواستی نماز فریضه
أقامت کنی، آن را در وقتش به جا آور، به گونه‌ی کسی که با آن وداع می‌کند و می‌ترسد
که دیگر هیچ گاه به آن برنگردد. دیگر آن که دیدگانت را به جایگاه سجودت متوجه
ساز. اگر می‌دانستی چه کسی از راست و چپت می‌باشد نمازت را خوب انجام
می‌دادی و بدان تو در برابر کسی هستی که تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی.

برای نماز دو وقت است: رضوان‌الله و عفو‌الله

نماز باید در اول وقت، که «رضوان‌الله» است، بجا آورده شود و به نحو احسن
انجام پذیرد تا موجب رضا و خشنودی خداوند گردد، مگر اینکه عذری در کار باشد و
نتواند در اول وقت نماز بخواند که در این صورت پس از رفع گرفتاری در آخر وقت،
که «عفو‌الله» و به تعبیر بعضی از روایات «غفران‌الله» است، نماز می‌خواند؛ که با داشتن
عذر موجه؛ نمازگزار مشمول عفو و آمرزش خداوند مهربان می‌شود.

تأخیر نماز اول وقت موجب خشم خداوند است

پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - در ضمن تعلیم چهل حدیث به

امیرالمؤمنین - عَلَيْهِ السَّلَام - فرمود:

«وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ بِوَضُوءٍ سَابِقٍ فِي مَوَاقِيتِهَا وَلَا تَوَخَّرُهَا فَإِنَّ فِي تَأْخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ

غَضَبَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ!».

یا علی! با وضوی کامل در اول وقت اقامه نماز کن، و نماز را از اول وقتش به

تأخیر نینداز، چون تأخیر نماز بدون علت، خداوند قهار را به خشم خواهد آورد!

پناه بر خدا از تأخیر نماز بدون عذر و علت، زیرا این عمل باعث استخفاف نماز

می شود.

محاسن نماز اول وقت

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - می فرماید:

وقتی آفتاب از دایره نصف النهار گذشت. درهای آسمان و درهای بهشت گشوده

می شود و دعا در این هنگام مستجاب می گردد. پس خوشا به حال کسی که در این

ساعت عمل صالحی از او بالا رود.

در نماز باکی مناجات می‌نماییم؟

آری! اگر به حقیقت بدانیم که در حال نماز با کی به راز و نیاز و مناجات پرداخته‌ایم و می‌توانستیم عظمت و کبریائی پروردگار بزرگ را مجسم نماییم، همچون اولیاء که در حین عبادت گویا خدا را می‌دیدند، در این صورت از عبادت خدا و ایستادن در مقابل او به قدری لذت می‌بردیم، که هرگز مایل نبودیم از نماز جدا گردیم.

وقتی بنده به پیشگاه خداوند به نماز می‌ایستد، نظر خاصّ خداوند متوجه به اوست تا نمازش را به پایان برساند و از بالای سرش تا افق آسمانها سایهٔ رحمت خویش را مستقر می‌فرماید و فرشتگان از دور و برش تا آسمانها طواف می‌نمایند و خداوند ملکی را موکل می‌کند که در بالای سرش ایستاده و به او خطاب می‌کند: ای نمازگزار اگر می‌دانستی چه کسی نظر رحمت به تو دارد و تو با کی مناجات داری؟ توجهت را از او بر نمی‌گرداندی و هرگز از سجاده و مصلاهی خویش جدا نمی‌شدی!

برای نمازگزار سه موهبت بزرگ الهی است

حضرت امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید:

برای نمازگزار هنگام اشتغال به نماز سه خصلت است: از قدمش تا به آسمانها ملائکه او را احاطه می‌نمایند و از آسمانها تا بالای سرش خیر و إحسان نثار می‌شود و

فرشته‌ای که بر او موکل است می‌گوید: اگر این نمازگزار بداند که طرف مناجات او کیست، از نماز خویش جدا نمی‌گردد.

فصل چهارم:

نماز

مکتب عالی

تربیت

خصال تربیتی نماز

نماز، داعی الی الله و معراج مؤمن است. نماز موجب صعود اخلاق حسنه و رسیدن به اخلاق الله می باشد. نماز عامل بازدارنده از زشتیها و ناپاکیها است. نماز

مونس انبیاء در شبهای تار است. نماز میزان اعمال خیر و شرّ است. نماز وسیله تقرب به خداوند است. و نماز نور چشم انبیاء و اولیاء الله می باشد.

نماز عامل سازنده‌ای است که مقاومت و ایستادگی آدمی را در نشیب و فرازهای زندگی حفظ می نماید و نمازگزار در مقابل هر خیر و شر و هر اقبال و ادباری تحمل خویش را حفظ نموده و به هر بادی نمی لغزد.

خداوند می فرماید:

همانا انسان حریص آفریده شده، چون شری به او برسد، فریاد می کشد و جزع می کند، و هرگاه خیر و نعمتی به او برسد، بخل می ورزد.

این اوصاف و خصلتها تعلق به دنیاپرستان دارد مگر نمازگزاران واقعی که اینان افرادی هستند که بر نماز خویش مداومت می نمایند و به آن اهمیت می دهند.

نماز پنجگانه در محو گناهان چون استحمام است در نظافت بدن

در روایت حضرت امام حسن عسگری - علیه السلام - است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده:

کسی که نماز پنجگانه یومیه را به جا می آورد، خداوند همه گناهان او را، که در مابین دو نماز برای او پیش آید، می پوشاند و مثل کسی است که در جلو خانه اش نهر آبی جاری باشد و او روزانه پنج بار در آن شستشو نماید، که دیگر گناهی بر او باقی

نخواهد گذاشت مگر گناهان مهلك، مانند انكار رسالت، امامت، ظلم و ستم به برادران
ایمانی و یا ترك تقیه تا آنجا که ضرری به او و یا به برادران مؤمن برسد.

أمیر مؤمنان علی - علیه السلام - می فرماید:

«مَنْ آتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^۱.

کسی که نماز بجا آورد، در حالی که عارف به حق آن باشد، غفران و آمرزش
الهی شامل حال او خواهد شد.

بنابراین، روشن است که بهترین عامل تزکیه در اسلام نماز است، منتهی نمازی که
بتواند آدمی را از منہیات و ظلم و ستم و کارهای باطل حفظ فرماید، و اثر بازدارنده
داشته باشد.

آیا غیبت کننده نمازش قبول است؟

نماز وسیلهٔ تحصیل رضای خداوند است و آدمی را از گناهان و غیبت کردن باز
می دارد و از تضييع حقوق مؤمنین جلوگیری می کند. بنابراین، پاره‌ای از نمازگزاران، که
نمازشان چنین اثری ندارد، باید در زندگی خویش تجدید نظری بکنند تا نمازشان
مقبول درگاه خداوند شود و خداوند از آنان خشنود گردد.

رسول اعظم اسلام - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - می فرماید:

.

«مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَكَيْلَهُ إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»^۱.

اگر کسی از مسلمانی چه زن و چه مرد غیبت نماید، خداوند نماز و روزه اش را تا چهل شبانه روز قبول نفرماید، مگر آنکه آن شخص از او راضی گردد و او را ببخشد.

فصل پنجم:

اهمیت

حضور قلب

رغبت و رهبیت

پایه و اساس حضور قلب در عبادات صفات برجسته رغبت و رهبت است. واژه «رغبت» به معنای رغبت و میل شدید است، و «رهبت» به معنای ترسیدن است. راهب نیز از همین ماده است. رغبت و رهبت با هم در قلبی جمع نگردد که با آنها عبادت و اطاعت خداوند شود مگر خداوند بهشت را بر آن بنده واجب گردانید.

حضرت جعفر بن محمد الصادق - علیهما السلام - می فرماید:

در قلب مؤمن رغبت به ثواب و رضوان الهی و ترس از عقوبت و عذاب خداوند قهّار، اجتماع نمی کند، مگر خداوند بهشت را بر او واجب می گرداند. پس هرگاه به نماز ایستادی با تمام وجودت به خدا روکن و متوجه او باش؛ زیرا هیچ بنده مؤمن در نماز و دعایش با تمام وجود و حضور قلبی به خدا متوجه نمی گردد، مگر خداوند عز و جل با قلوب همه مؤمنین به او رومی آورد و استقبالش می کند، و خداوند آن مؤمن نمازگزار را به دوستی آن مؤمنین برای دخول به بهشت تأیید می نماید، و بهشتی خواهد شد.

دو رکعت با حضور قلب افضل از قیام یک شب است

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در مورد حضور قلب در نماز به اباذر

صدیق می فرماید:

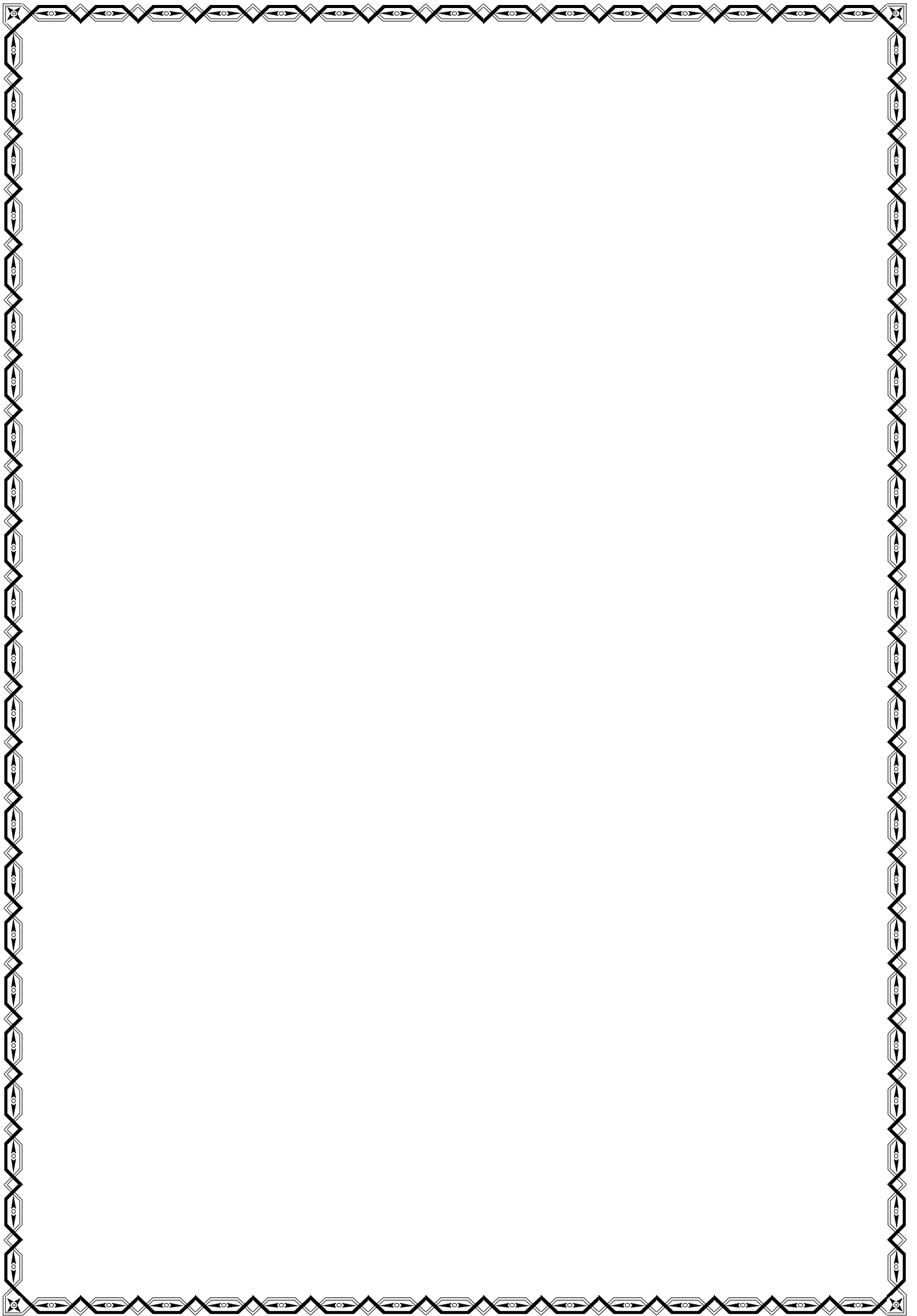
ای اباذر دو رکعت نماز که به طور متوسط خوانده شود، و با تفکر و حضور قلب باشد، بهتر است، از یک شب نماز بدون حضور قلب.

بنابراین، نماز با خضوع و خشوع و حضور قلب و لو اندک باشد به مراتب بهتر و عالی تر از نماز فراوان بدون حضور قلب است.

هنگام نماز از دنیا و مافیها مأیوس باش

امام به حق ناطق حضرت جعفر صادق - علیه السلام - می فرماید:

وقتی رو به قبله کردی (و به نماز ایستادی) پس از دنیا و آنچه در آن است و از خلاق و آنچه که در دست آنهاست مأیوس باش. و یاد کن وقوف و ایستادنت را در محضر پروردگار، در آن روزی که هرکس آنچه از پیش فرستاده است می بیند.



فصل نهم:

الگوئی

نماز گزاران

امام سجاده (ع): چه کسی قدرت دارد مانند علی (ع) عبادت کند!

از امام باقر - علیه السلام - نقل است که فرمود: خدمت پدرم رسیدم مشاهده کردم بجایی از عبادت رسیده که هیچ کس نخواهد رسید صورتش، از شب زنده داری زرد و چشمها از شدت گریه مانند آتش سرخ گردیده، پیشانی اش از کثرت سجده پینه بسته، قدمها و ساق پای مبارکش به واسطه زیادی سرپا ایستادن در نماز ورم کرده بود. فرمود: من از دیدن آن حال دیگر نتوانستم خودداری کنم، دلم سوخت و شروع به گریه نمودم. در آن موقع پدرم به فکر فرو رفته بود. پس از مختصر زمانی متوجه من شد، فرمود: پسر جان یکی از جزوه های عبادت علی بن ابیطالب - علیه السلام - را بیاور! جزوه ای را تقدیم کردم. اندکی از آن را خواند. با خاطری افسرده جزوه را به زمین گذاشت و فرمود: چه کسی قدرت دارد مانند علی عبادت کند!

نالۀ شدید حضرت ابراهیم در نماز!

نالۀ و تضرع از نماز گزاران حقیقی، که به حقیقت نماز و اهمیت آن پی برده اند، آن وقت که به نماز می ایستند و از خود بی خود می شوند و عشق به لقای معشوق و محبوب آنها را شعله ور می سازد، بلند و شدید می گردد، و چه بسا خود متوجه نشوند. مرحوم فیض کاشانی، در کتاب حقائق خویش، از کیفیت نماز حضرت ابراهیم خلیل چنین نقل می کند، و می گوید: حضرت ابراهیم خلیل - علیه السلام - هنگام نماز

چنان ناله می‌زد، که صدای ناله‌اش تا یک فرسخ شنیده می‌شد و مانند جوشش دیگ، از خوف خدا به فریاد می‌آمد!

از یکی از همسران پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل شده وقتی که آن حضرت با ما مشغول صحبت بود، و از همه جا سخن می‌گفتیم، به مجرد اینکه وقت نماز می‌رسید، نه ما او را می‌شناختیم و نه او ما را می‌شناخت!

فصل هفتم:

خصوصیات کلی

نماز

خدای بزرگ به سه بنده خویش مباحثات می نماید

پیامبر گرامی اسلام موقعیتهای نمازگزاران، درجه ایمان به خدا، اعتقاد به قیامت و

کیفیت عبادت آنان را برای خداوند چنین بیان می فرماید:

ای اباذر! خداوند متعال به سه کس در نزد ملائکه می‌بالد و افتخار می‌نماید: کسی در بیابان بی‌آب و علف، که کسی در آنجا نیست، اذان بگوید و سپس به نماز بایستد.

خداوند می‌فرماید: ملائکه من به این بنده من بنگرید که نماز می‌گذارد و هیچ‌کس جز من او را نمی‌بیند، آنگاه هفتاد هزار ملک نازل می‌شوند و به او اقتدار می‌کنند و در پشت سر او نماز می‌گزارند تا فردای آنروز، از برای او استغفار می‌نمایند. و مردی که در شب از خوب برمی‌خیزد و به تنهایی به نماز می‌ایستد و سجده می‌کند و در سجده خوابش می‌برد. خداوند به ملائکه‌اش می‌فرماید: به بنده‌ام بنگرید! که خوابش برده، روحش نزد من است ولی بدنش در سجده می‌باشد و برای من سجده می‌کند. و مردی که در میدان جهاد، همه همراهانش فرار کرده‌اند، ولی او ایستاده و می‌جنگد تا شهید می‌گردد.

یا رسول الله! در این برهه از تاریخ اسلام (۱۳۶۷ هجری شمسی) فرزندت حضرت آیت الله العظمی خمینی چنین انسانهایی تربیت کرده، که آنان در همه جا خاصه در خط مقدم جبهه‌های جنگ حق علیه باطل بیش از هفتاد سال است که می‌جنگد و حماسه‌های تأکید بر باور عقلی و فهم حکیمانه آموزه‌های مسیح بود. در این سنت، ایمان واقعی چیزی جز تسلیم محض نیست و وظیفه مؤمن به عنوان مسافر غریب و سرگردان این جهان، تنها طلب لطف و بخشایش الهی است تا شاید از این طریق در زمره برگزیدگان قرار گیرد و راه نجات و رستگاری از عذاب مقدر را بیابد.

تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است. او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل، مارکس، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت. به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند. این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است. پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش، رشد و مرگ نیست.

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^اغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود. □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با

اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر

جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر
اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس
در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد .
خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره
جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست
عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با
آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را
دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ،
خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از
فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق
رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا
داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز
حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای
اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس
انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی

. آگوستین با استناد به قولی از اشعیای نبی که می‌گوید: « مادام که ایمان نیاورده‌اید ، فهم نخواهید کرد .» (کتاب اشعیای نبی ۷ : ۹) صراحتاً بیان می‌دارد : فهم ، پاداش ایمان است ؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری ؛ بلکه ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ ، با توجه به بحران امپراتوری روم ، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است. و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است. شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است . او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل ، مارکس ، اسپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت . به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به سبب وحی می‌رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند

ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او

را می دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

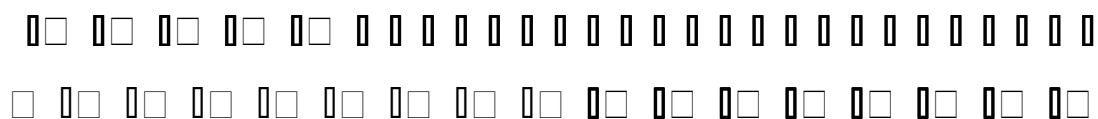
آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد . نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکونیاس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□) کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیاس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نراعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.



یقین عقلی به ایمان . کار عقل ، تفقه در مضامین وحی است ، نه کسب بصیرتی مستقل . آگوستین با استناد به قولی از اشعیای نبی که می گوید : « مادام که ایمان نیاورده‌اید ، فهم نخواهید کرد . » (کتاب اشعیای نبی ۷ : ۹) صراحتاً بیان می‌دارد : فهم ، پاداش ایمان است ؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری ؛ بلکه ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ ، با توجه به بحران امپراتوری روم ، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است . و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است . شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است . او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد . فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل ، مارکس ، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت . به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۲اغ وحی می‌رود ، زیرا که خداوند در

متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد . خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود . خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد . هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می کند ، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند : دولت خاکی و دولت مینوی . او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی

جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند ، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ،

خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکوی‌ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پایها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکونیاس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیاس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

وصول به حقیقت ، راهی است که از ایمان و وحی می گذرد و به عقل می رسد ، نه از یقین عقلی به ایمان . کار عقل ، تَفَقُّه در مضامین وحی است ، نه کسب بصیرتی مستقل . آگوستین با استناد به قولی از اشعیای نبی که می گوید : « مادام که ایمان نیاورده‌اید ، فهم نخواهید کرد . » (کتاب اشعیای نبی ۷ : ۹) صراحتاً بیان می دارد : فهم ، پاداش ایمان است ؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری ؛ بلکه ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ ، با توجه به بحران امپراتوری روم ، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است . و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است . شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است . او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می دهد . فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل ، مارکس ، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت . به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام می گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۱اغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او

می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را

دگرگون کرد. مهمترین اثر آکونیاس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد. نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکونیاس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیاس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^واغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود. □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او

می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را

دگرگون کرد. مهمترین اثر آکونیاس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد. نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکونیاس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیاس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد

ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ، با توجه به بحران امپراتوری روم، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است. و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است. شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است. او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل، مارکس، اسپینگلا و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت. به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند. این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است. پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش، رشد و مرگ نیست.

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به سماع وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا

کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در

شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا

رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است. پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش، رشد و مرگ نیست.

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۲اغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود. □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی

اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بیش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد.

خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکونیاس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکونیاس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکوی‌ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی

بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکوناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکوناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

است امن ترین و سهل‌ترین طریق وصول به حقیقت ، راهی است که از ایمان و وحی می‌گذرد و به عقل می‌رسد ، نه از یقین عقلی به ایمان . کار عقل ، تَفْقَه در مضامین وحی است ، نه کسب بصیرتی مستقل . آگوستین با استناد به قولی از اشعیای نبی که می‌گوید : « مادام که ایمان نیآورده‌اید ، فهم نخواهید کرد . » (کتاب اشعیای نبی ۷ : ۹) صراحتاً بیان می‌دارد : فهم ، پاداش ایمان است ؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری ؛ بلکه ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ ، با توجه به بحران امپراتوری روم ، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است. و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است. شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است . او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل ، مارکس ، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت . به حسب این شیوه

رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام در نظر می گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^اغ وحی می رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد . خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود . خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد . هدف از خلقت این بود که آدمی

معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش

برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکونیناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

و به عقل می‌رسد، نه از یقین عقلی به ایمان. کار عقل، تفقه در مضامین وحی است، نه کسب بصیرتی مستقل. آگوستین با استناد به قولی از اشعیای نبی که می‌گوید:

« مادام که ایمان نیاورده‌اید، فهم نخواهید کرد. » (کتاب اشعیای نبی ۷: ۹) صراحتاً بیان می‌دارد: فهم، پاداش ایمان است؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری؛ بلکه ایمان بیاور تا بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ، با توجه به بحران امپراتوری روم، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است. و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است. شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است. او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل، مارکس، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت. به حسب این شیوه

رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام در نظر می گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س'اغ وحی می رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد . خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود . خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد . هدف از خلقت این بود که آدمی

معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۲۵-۱۲۷۴ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد .
خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره
جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست
عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با
آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را
دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ،
خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از
فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق
رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا
داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز
حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای
اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس
انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی
را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان
بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش

برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکونیناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

است؛ لذا در پی آن مباش که بفهمی و سپس ایمان آوری؛ بلکه ایمان بیاور تا

بفهمی □

آگوستین در توضیح فلسفه تاریخ، با توجه به بحران امپراتوری روم، این سؤال اصلی را مطرح میکند که چرا روم به چنین بلایی گرفتار آمده است. و چنان که اشاره شد کتاب شهر خدا در تلاش برای پاسخ گفتن به این پرسش نوشته شده است. شیوه تحلیل آگوستین در زمان او تازه و کاملاً بدیع است. او تحلیل و نظریه سیاسی خود را برای نخستین بار به صورت فلسفه تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تاریخ بعدها توسط هگل، مارکس، اشپینگلر و دیگران به کاربرده شد و تکامل یافت. به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند. این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است. پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که

تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش، رشد و مرگ نیست.

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س‌اغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود. □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح

می کند ، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند : دولت خاکی و دولت مینوی . او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند ، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می دهد . در جامعه ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □ .

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه ای در اندیشه سیاسی است . اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده های میانه را می گذارد آکویناس در انتهای سده های میانه پایه های اندیشه عصر جدید را می چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با

آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد. نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکویناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد

، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

امل یافت . به حسب این شیوه رویدادها را به صورت فرایندی دارای آغاز ، تحول و فرجام در نظر می‌گیرند . این رویدادها از آغاز تا فرجام دارای معنایی خاص است که در قالب فرایند هدفدار تاریخ قابل درک است . پیش از آگوستین تفکر غالب در میان نویسندگان یونانی این بود که تاریخ آغاز و انجام ندارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۲غ وحی می‌رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با

اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر

جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر
اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس
در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد .
خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره
جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست
عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با
آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را
دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ،
خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از
فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق
رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا
داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز
حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای
اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس
انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی

را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکونیناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ارد و چیزی جز دور مکرر زایش ، رشد و مرگ نیست .

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۲اغ وحی می‌رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه

می کرد جدا می شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد . خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود . خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد . هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می کند ، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند : دولت خاکی و دولت مینوی . او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند ، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می دهد . در جامعه ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از

فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت می‌داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز

حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد. نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکویناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

مکرر زایش، رشد و مرگ نیست.

آگوستین برای جستجوی پاسخ این پرسش به س^۲اغ وحی می‌رود، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ کرده است. او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت

الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است . منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است . خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد . در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □ . همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند .

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد . خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود . خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد . هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است .

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می کند ، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند : دولت خاکی و دولت مینوی . او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند ، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می دهد . در جامعه ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می توان از

عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند
منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در
شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از
فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکوناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکوناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر
جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر
اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکوناس
در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکوناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد.
خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکوناس در دوره
جوانی در کار سیاست فعالیتی داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست
عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با
آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را
دگرگون کرد. مهمترین اثر آکوناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف،
خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکوناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از

فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکویناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

وحی می‌رود ، زیرا که خداوند در متون مقدس پیامش را از زبان پیامبران ابلاغ

کرده است . او با ارجاع به پیام خداوند ایده خلقت را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر

می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او

را می دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونياس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . اين سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسيک يونان (به ويژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دين مسيح و سرانجام حقوق رومي ، آکونياس با آميزش آموزه‌های اين سه سنت بزرگ بناي تازه‌ای در الهيات بر پا داشت که جمع ميان عقل و شرع را ممکن کرد . اين کار او همچنين نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جديدي در اروپا بود . کار آکونياس پايه‌های نظري برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزايش يا رونسانس اروپا متصل شد . نظريه آکونياس انعکاس دورانی بود که در آن زندگي می‌کرد در زمان آکوی‌ناس اروپا حرکت نوینی را برای ايجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سيزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعاليت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمينه‌های نوزايش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظريه سياسي آکونياس مطابق روح اين دوران پر شور بود. (□) کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونياس در تاريخ فلسفه سياسي از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات اين نکته که مسيحيان در مسائل ايمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقويت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفيد است.

را به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می کرد جدا می شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز درباره دولت و عدالت مطرح می کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او

را می دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونياس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . اين سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسيک يونان (به ويژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دين مسيح و سرانجام حقوق رومي ، آکونياس با آميزش آموزه‌های اين سه سنت بزرگ بناي تازه‌ای در الهيات بر پا داشت که جمع ميان عقل و شرع را ممکن کرد . اين کار او همچنين نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جديدي در اروپا بود . کار آکونياس پايه‌های نظري برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزايش يا رونسانس اروپا متصل شد . نظريه آکونياس انعکاس دورانی بود که در آن زندگي می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزايش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظريه سیاسی آکونياس مطابق روح اين دوران پر شور بود. (□) کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونياس در تاريخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات اين نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ا به عنوان بنیاد اندیشه خود بر می‌گیرد. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او

را می دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونياس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . اين سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسيک يونان (به ويژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دين مسيح و سرانجام حقوق رومي ، آکونياس با آميزش آموزه‌های اين سه سنت بزرگ بناي تازه‌ای در الهيات بر پا داشت که جمع ميان عقل و شرع را ممکن کرد . اين کار او همچنين نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جديدي در اروپا بود . کار آکونياس پايه‌های نظري برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزايش يا رونسانس اروپا متصل شد . نظريه آکونياس انعکاس دورانی بود که در آن زندگي می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزايش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظريه سیاسی آکونياس مطابق روح اين دوران پر شور بود. (□) کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونياس در تاريخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات اين نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

د. آگوستین معتقد است که فطرت الهی پیش از آغاز زمان وجود داشت و در هنگام خلقت به خلق جهان انجامیده است. منظور خداوند از خلقت، لطف بوده است. خدا انسان را آفرید و به اراده خوب عطا کرد. در این نکته فلسفه آگوستین از فلسفه کلاسیک که نه بر اراده بلکه بر عقل تکیه می‌کرد جدا می‌شود □. همین چرخش از تکیه بر اراده به جای عقل نظریه سیاسی آگوستین را به مسیر کاملاً متفاوتی هدایت می‌کند.

آگوستین موهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او

را می دهد . در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد . به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد . از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین‌طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است . اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند .

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد . خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند . خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت . اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکونياس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . اين سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسيک يونان (به ويژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دين مسيح و سرانجام حقوق رومي ، آکونياس با آميزش آموزه‌های اين سه سنت بزرگ بناي تازه‌ای در الهيات بر پا داشت که جمع ميان عقل و شرع را ممکن کرد . اين کار او همچنين نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جديدي در اروپا بود . کار آکونياس پايه‌های نظري برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزايش يا رونسانس اروپا متصل شد . نظريه آکونياس انعکاس دورانی بود که در آن زندگي می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزايش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظريه سیاسی آکونياس مطابق روح اين دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونياس در تاريخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات اين نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

وهبت عقل را در انسان اکار نمی‌کند اما معتقد است که عقل در همراهی با اراده نیک می‌تواند ممیز انسان خوب از بد باشد. خوب بودن اراده انسان است که او را به کمال خاص او رهنمون می‌شود. خوشیهای این جهان گذرا است و سعادت آدمی در جهانی فراسوی جهان محسوس قرار دارد. هدف از خلقت این بود که آدمی معرفت و ابدیت خداوند برخوردار گردد. سعادت انسان در اطاعت آگاهانه و از روی اراده است.

آگوستین در ادامه شرح اندیشه سیاسی خود، نظراتی نیز دربارهٔ دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد. نظریه آکویناس

انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکوی‌ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکوی‌ناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکوی‌ناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ره دولت و عدالت مطرح می‌کند، او دو گونه دولت را از هم متمایز می‌کند: دولت خاکی و دولت مینوی. او می‌گوید اگر عدالت را برترین خصلت یک جامعه بدانیم هیچ یک از جوامع زمینی جامعه دادگر محسوب نمی‌شوند، زیرا عدالت فضیلتی است که به هر کس حقوق او را می‌دهد. در جامعه‌ای که انسانها خدای راستین را رها کنند چگونه می‌توان از عدالت سخن گفت شهر خاکی که در آن خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و

دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز

حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد. نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکویناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

خدای راستین مورد پرستش نیست نمی‌تواند منطبق با عدالت و فضیلت اخلاقی باشد. به این ترتیب هیچ شکلی از حکومت در شهر خاکی به شکل دیگر برتری ندارد. از جامعه خاکی و دولت زمینی چیزی بیشتر از فراهم کردن صلح و امنیت نباید انتظار داشت. □.

آکویناس و پایان فلسفه مدرسی

قدیس سن توماس آکویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر آگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکویناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکویناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکویناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد. نظریه آکویناس

انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکوی‌ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود.

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند. قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود. نظریه سیاسی آکوی‌ناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکوی‌ناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ویناس □ (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) عالم بزرگ مسیحی سرآغاز تفکر جدیدی در کلام مسیحی و همین طور بینش تازه‌ای در اندیشه سیاسی است. اگر اگوستین در پایان دنیای باستان سنگ بنای اندیشه سده‌های میانه را می‌گذارد آکوی‌ناس در انتهای سده‌های میانه پایه‌های اندیشه عصر جدید را می‌چیند.

آکوی‌ناس در سال ۱۲۲۵ در یکی از شهرهای ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکوی‌ناس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت می‌داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست

عملی . بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد . مهمترین اثر آکویناس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رنسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیاس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ایتالیا به نام روکاسکا به دنیا آمد. خانواده‌اش از نجبا بودند و در کار سیاست دست داشتند. خود آکونیاس در دوره جوانی در کار سیاست فعالیت داشت. اما او بیشتر مرد اندیشه بود تا مرد سیاست عملی. بنابراین بخش بزرگی از عمر او صرف نوشتن کتابهایی شد که در آنها با آمیزش اندیشه ارسطویی و تعالیم مسیحی سنتز تازه‌ای ارائه شد که کلام مسیحی را دگرگون کرد. مهمترین اثر آکونیاس کلیات الهیات است که به صورت دائره‌المعارف، خلاصه‌ای از دانش بشر است.

فلسفه آکونیاس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است. این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی، آکونیاس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود. کار آکونیاس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد. نظریه آکونیاس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکونیاس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود. قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان

بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در

آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکویناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکویناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است .

ت است که به صورت دائره‌المعارف ، خلاصه‌ای از دانش بشر است .

فلسفه آکویناس از سه منبع عمده سرچشمه گرفته است . این سه منبع عبارتند از فلسفه کلاسیک یونان (به ویژه افکار ارسطو ، آموزه‌های دین مسیح و سرانجام حقوق رومی ، آکویناس با آمیزش آموزه‌های این سه سنت بزرگ بنای تازه‌ای در الهیات بر پا داشت که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد . این کار او همچنین نقطه‌ی آغاز حرکت به سوی عصر جدیدی در اروپا بود . کار آکویناس پایه‌های نظری برای اندیشه‌های بعدی بود که به نوزایش یا رونسانس اروپا متصل شد . نظریه آکویناس انعکاس دورانی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکویناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پایها با پادشاهان

بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکوناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکوناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ،یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

نی بود که در آن زندگی می‌کرد در زمان آکوناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می‌کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می‌گرفت و اروپا آماده می‌شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکوناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکوناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ،یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ی بود که در آن زندگی می کرد در زمان آکوی ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاهها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می گرفت و اروپا آماده می شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکوناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه های آکوناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد ، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ناس اروپا حرکت نوینی را برای ایجاد شهر زمینی شروع کرده بود . قرن سیزدهم اوج جدال پاپها با پادشاهان بود .

قرنی بود که دانشگاهها در شهرهای بزرگ اروپا فعالیت می کردند . قرنی بود که تلاش برای بنا نهادن حقوق عرفی شکل می گرفت و اروپا آماده می شد از قرنهای گمنامی بیرون بیاید . انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه های نوزایش علمی را در آنجا آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکوناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه های آکوناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد

، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

. انتقال دستاوردهای تمدن اسلامی به اروپا زمینه‌های نوزایش علمی را در آنجا

آماده کرده بود . نظریه سیاسی آکونیناس مطابق روح این دوران پر شور بود. (□)

کوتاه سخن آنکه اندیشه‌های آکونیناس در تاریخ فلسفه سیاسی از دو جهت ارج دارد

، یکی از جهت اثبات این نکته که مسیحیان در مسائل ایمان تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک مؤثر و مفید است.

ن تنها نرالعمل مستحبی فوق‌العاده در تقویت معنوی و فطری و روحی کودک

مؤثر و مفید است.

همچنان که اوصاف زشت مانند دروغ‌گویی، غیبت و نامی، و یا نوشیدن شراب

و غذای فاسد، در جنین اثر جسمی و معنوی دارد، و اوصاف ما در بد ، یا خوب در

فرزند تأثیر می‌گذارد، اذان و اقامه نیز در تقویت دینی و روحی نوزاد مؤثر است.

فصل هشتم:

اسرار وضو

اسرار وضو از امام رضا - علیه السلام -

امام رضا - علیه السلام - در جواب مسائل محمدبن سنان نوشت: وضو که به خاطر آن شستن وجه و ذراعین و مسح رأس و قدمین بر بنده واجب است، قیام بنده است در ساحت و حضور پروردگار خود، و رو آوردن بنده است به درگاه او با جوارح ظاهره خود، و ملاقات نمودن بنده است با آن جوارح ظاهر با کرام الکاتبین. پس می شوید صورت را از جهت سجود و خضوع. و می شوید دستها را به جهت گردانیدن آنها و به جهت خوف و شوق و انقطاع از دنیا به سوی خداوند خود. مسح می کشد سر و قدمهای خود را، از جهت اینکه ظاهر و آشکارند و رو می آورد به آن دو، در همه احوال برای این است که آن فروتنی و انقطاع به سوی خدا که در وجه و ذراعین است در آن دو نمی باشد!

حاصل اینکه بنده با صورت و دستها و مقدم سر و مقدم پاها به پیشگاه خداوند می ایستد و این اعضاء در مقابل او قرار می گیرند لذا باید پاک و مطهر باشند.

پیشانی اهل وضو در قیامت می درخشد

آنان که به طهارت و پاکیزگی در دنیا علاقه‌مندند، و دائماً در طهارت به سر می‌برند، همچنان که در دنیا نورانی و چهره‌تابناک دارند، در قیامت نیز در بین همه امتها و همه‌خلائق نورانی هستند و از پیشانی آنان نور ساطع می‌گردد.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

همانا امت من (در بین امتها) روز قیامت از آثار وضوء پیشانی آنان می‌درخشد، و نور از صورتشان تلالؤ دارد.

در خبر است که: یکی از صلحاء را به خواب دیدند که نوری از دست و پا و پیشانی او ساطع بود، که آفتاب پیش او جلوه نمی‌نمود، و در بساتین بهشت می‌خرامید. به او گفتند: مگر در دار دنیا چه عملی داشته‌ای، که اثر آن چنین ظاهر شده است؟ در پاسخ گفت: پیوسته با وضو بودم.

پیامبر اسلام چگونه وضو می‌ساخت؟

رهبر اسلام و شارع مقدس عملش و قولش، و به طور کلی سیره‌اش حجّت است. حضرت باقرالعلوم روزی به اصحاب گرامی‌اش فرمود: آیا وضوی رسول خدا (ص) را برای شما حکایت نکنم؟ همگان عرض کردند: بلی یابن رسول الله پس حضرت یک

قدحی از جنس چوب، که در آن آب بوده، طلبد و آن قدح را در مقابل خویش نهاد.
سپس آستین خویش را بالا زد.

پس از آن حضرت باقر - علیه السلام - آستینها را بالا زد، و همانند پایمبر وضو ساخت، به این نحوه: یک کف آب با دست راست برداشت و آن را بر پیشانی خویش ریخت و فرمود: «بسم الله» آب را بر اطراف محاسن شریف خویش سلان داد. سپس دست خویش را بر صورت کشید و پیشانی و ابروها را شست، و این غسل را یک بار انجام داد.

سپس دست چپ خویش را فرو برد و یک کف پر از آب برداشت و آن را بر بالای مرفق دست راست خویش ریخت. آنگاه دست کشید بر ساعد و بازوی خویش تا آنکه آب را بر اطراف اصابع و انگشتانش جریان داد.

سپس دست راست را فرو برد و کفی پر از آب برداشته و بر بالای مرفق چپ خویش ریخت و دستش بر ساعدش کشید و آب را تا اطراف انگشتانش جریان داد.
و جلو سر و پشت پای راست و چپ خویش را با رطوبت بقیه آب وضو مسح نمود.

آیا در مصرف آب برای وضو و یا غسل محدود نیستیم؟

اسلام ما را در مصرف آب برای استفاده‌های مختلف حتی برای طهارت از نجاسات، و همین‌طور برای وضو و غسل محدود کرده است، و معیار و اندازه بهره‌برداری از آب را برای اکثر کارهای عبادی و غیرعبادی معین و مشخص فرموده است.

در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه از پیامبر خدا نقل می‌نماید که حضرت فرمود: آبی که برای وضو باید مصرف شود یک مدّ است (تقریباً هفتصد و پنجاه گرم)، و برای غسل، یک صاع (تقریباً سه کیلوگرم) می‌باشد. آنگاه پیامبر خدا (ص) فرمود: اقوامی بعد از من بیایند که این اندازه آب را برای وضو و یا غسل کم بشمارند. پس آنان برخلاف سنت من عمل کنند. و آنانی که بر سنت من هستند در بهشت با من می‌باشند.